

مشکلات نیروی کار و کارفرمای ایرانی

قانون کار دست هر دو طرف را بسته است

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران»، با مهندس مهرداد لاهوتی، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون عمران

تقدیر ایران: آقای مهندس! مهمترین مشکلات حوزه

نیروی کار را در چه مسایلی می دانید؟

مشکلات نیروی کار از دو زاویه مطرح است: یکی نیروی کار و دیگری کارفرما. مشکلی که در حال حاضر به نظر من اهمیت دارد، مسأله یکطرفه بودن قانون کار است که باعث می شود نتوانیم بهره‌وری مناسبی را از نیروی کار شاهد باشیم که البته تأثیرات منفی آن، هم بر روی کارفرما و هم نیروی کار قابل تأمل است. به نظر من باید شرایط را به گونه‌ای فراهم آوریم تا از طریق ابزارهایی این نزول بهره‌وری را مرتفع سازیم. اگر شما به مؤسسات، شرکت‌ها و ادارات سری بزنید، عملاً با ساعات مفید کاری پایین روبه‌رو خواهید شد که این مسأله، دلایل بسیاری دارد. در رابطه با این مسأله می توان فقدان قدرت خرید مناسب و حقوق و دستمزد پایین را از مهمترین عوامل برشمرد. نتیجه آن است که نیروی کار، شادابی و انگیزه کافی را برای فعالیت کاری خود نخواهد داشت. بر این اساس، نیروی کار به دنبال پیدا کردن شغل دیگری به صورت پاره‌وقت خواهد افتاد که نتیجه آن، ناخودآگاه بر کیفیت کاری نیروی کار تأثیری منفی بر جای می گذارد.

تقدیر ایران: جنابعالی، به این مسأله اشاره داشتید که قانون کار یکطرفه، تأثیری دوطرفه بر کارفرما و نیروی کار خواهد گذاشت. در این مورد توضیح بیشتری می فرمایید؟

در حال حاضر بسیاری از کارفرمایان مایل به استخدام نیروی کار بیشتر می باشند. افراد بیکار فراوانی هم در جامعه در انتظار شغل هستند که تحقق اهداف طرفین به طور حتم مقداری از معضل بیکاری کشور را - ولو اندک - حل خواهد کرد، اما وجود چنین قوانینی سبب می شود که کارفرما به دلیل ترس از استخدام، از آن ممانعت به عمل آورد و عملاً دست هر دو طرف بسته باشد.

تقدیر ایران: چه تحلیلی از معضل تورم و تأثیر آن بر رفاه نیروی کار دارید؟

در قانون کار ما حقوق پایه برابر با ۲۲۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است. متأسفانه یک کارگر به هیچ وجه نمی تواند حتی از پس اجاره بهای مسکن

قابل توجهی افزایش دهیم تا در درجه اول، تولیدکننده آسیب نبیند و به دنبال آن شاهد مشکلات احتمالی نیروی کار نباشیم. مثالی خدمتتان عرض می کنم تا بهتر متوجه شوید. نیاز برنج کشور ما در حدود ۳/۲ تا ۳/۵ میلیون تُن می باشد که در حدود ۱/۵ میلیون تُن آن را وارد می کنیم. اگر از تولیدکننده حمایت کنیم، بالطبع اشتغال هم افزایش می یابد. در تولید چای، فقط ۳۰ هزار تُن تولید می کنیم، در صورتی که مصرف داخل معادل ۱۲۰ هزار تُن است و بقیه نیازمان را وارد می کنیم. در فرش صادراتی هم همین گونه است. فرش ایرانی در بازار جهانی به این دلیل طرفدار زیادی داشته است که از ابریشم ساخت داخل برای آن بهره می بردیم، اما اکنون به دلیل این که تولید پيله ابریشم داخل، حتی زیر هزار تُن می باشد، مجبور به استفاده از ابریشم خارجی هستیم که قطعاً با ادامه این روند، بازار جهانی را از دست خواهیم داد. نتیجه



تقدیر ایران: مشکلات نیروی کار کشور را با توجه به بحران جهانی سال قبل چگونه ارزیابی می فرمایید؟ آیا اصلاً این مقوله بر نیروی کار کشور ما تأثیر داشته است یا خیر؟

در دنیای فعلی، دیگر کسی نمی تواند بگوید که کاری با سایر اقتصادها و کشورهای جهان ندارم، چراکه عملاً با گسترش بازارهای سرمایه و مسایلی نظیر بورس بازی، کل جهان به صورت یک نظام یکپارچه در آمده است. اگر تورمی در یک کشور طرف مبادله با ایران رخ دهد، در صورت عدم توجه ما، به طور حتم این معضل به کشور ما هم منتقل می شود. این مسایل را عرض کردم تا ببینید که دیگر دوران حاضر، زمانه ۵۰ سال گذشته نیست که با دنیا در ارتباط نباشیم. اگرچه ممکن

آن است که به جای توسعه و رشد صنعت با تنزل آن روبه‌رو خواهیم بود و متأسفانه نیروی کار اولین قشری است که آسیب آن را خواهد دید. اما راهکار دیگر به بهره‌گیری از تکنولوژی برمی گردد. اکثر کشورهای پیشرفته دنیا از هر هکتار زمین، معادل ۸ تا ۹ تُن تولید برنج دارند، اما محصول ما فقط ۲ تُن می باشد که فکر می کنم باید به جای واردات محصول به واردات تکنولوژی بپردازیم. البته تنها بخش کشاورزی نیست که با مشکل مواجه است، صنعت گردشگری که پس از صنایع نفت و خودرو در رتبه سوم صنایع جهان قرار دارد، در کشور ما عملاً نادیده انگاشته شده است. نگاهی به آمار و ارقام جهانی خالی از

تقدیر ایران: چه راهکاری را می توان در این رابطه برگزید تا نیروی کار کشورمان متحمل کمترین آسیب شود؟

به عقیده بنده، باید نگاهمان نسبت به اقتصاد، تولیدگرایانه باشد، یعنی تولیدات خود را به نسبت

چالش‌های نیروی کار ماهر کشور

جیب خالی، پز عالی!

پذیرش دانشجویان به صورت فله‌ای بدون توجه به کیفیت آموزش و نیاز بازار کار، بی‌توجهی به نخبگان، توسعه نیافتگی بخش خصوصی واقعی و عدم توجه به تعریف دقیق رابطه کارفرما با نیروی کار، نرخ بیکاری را افزایش و بهره‌وری نیروی کار را کاهش داده است.

نخواهد بود. در این راستا، بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری افراد تحصیلکرده سطوح عالی و دانشگاهی کشورمان در پایان سال ۸۵ به ترتیب برابر با ۲۳/۴ و ۳۱/۵ درصد بوده است که در کل، رقم ۳ میلیون و ۴۸۴ هزار نفر را شامل می‌شود. همچنین بر اساس آخرین گزارش ارائه شده از سوی سازمان جهانی کار (ILO)، نرخ بیکاری افراد تحصیلکرده کشورمان تنها در بازه زمانی ۳ ماهه مه تا اوت ۲۰۰۸ معادل ۱/۵۲ درصد افزایش داشته است که این موضوع نشان از وضعیت نامناسب اشتغال تحصیلکردگان کشورمان دارد و این سؤال را تداعی می‌کند که چرا با این نرخ فزاینده بیکاری قشر تحصیلکرده روبه‌رو هستیم؟

فرار مغزها

از دیگر مشکلات مهمی که اقتصاد ایران طی سالیان متمادی از آن ضربه خورده است، معضل خروج نخبگان از کشور و یا همان اصطلاح معروف "فرار مغزها" است. همواره در کشورمان به دلیل عدم پشتیبانی و بهره‌برداری مناسب از پتانسیل بالای این نیروها - که حرف اول مدیریت و راهبری اقتصاد هر جامعه‌ای را می‌زنند - شاهد رشد کند و نامناسب اقتصاد و تولید کشور بوده‌ایم. به طور حتم اگر هدفمان نوآوری و ارتقای بهره‌وری - مطابق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله - است، تنها در سایه بهره‌برداری از پشتوانه عظیم فکری نیروی انسانی

مشکلات نیروی کار، موضوعی است که بارها در همایش‌ها، نشست‌ها، مقالات و نشریات به بحث و بررسی گذاشته شده و کالبدشکافی مسایل متعددی که در حوزه‌های مرتبط با آن وجود دارد، بیانگر این حقیقت است که نیروی کار در کنار سرمایه، از مهمترین ارکان تولید و ارائه خدمات در جهت رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌آید.

عرضه و تقاضا

بی‌شک در بررسی هر مسأله اقتصادی و برای آگاهی از مشکلات، نواقص و مسایل مربوط به آن، مطالعه طرف عرضه و تقاضا از اهمیت زیادی برخوردار است. به طور کلی، تقاضای نیروی کار تابع مستقیمی از شرایط اقتصادی کشور است که اصولاً - و نه همیشه - در دوره‌های رونق و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، رشد اقتصادی کشور از ۵/۷ درصد در سال ۸۴ به ۶/۲ در سال ۸۵ و ۶/۹ درصد در سال ۸۶ افزایش یافته است. همچنین در بازه زمانی مذکور، نرخ بیکاری از ۱۲/۱ درصد در سال ۸۴ با کاهشی مستمر به ۱۰/۶ درصد در سال ۸۶ تنزل نموده است. بنابر گزارش مذکور، اگرچه رشد اقتصادی کشور در سال ۸۷ نسبت به ۸۶ با کاهش ۲ واحد درصدی روبه‌رو بوده، اما به دلیل رشد ۱۲/۴۳ درصدی تولید سرانه کشور طی این دو سال، نرخ بیکاری معادل ۰/۲ واحد درصد کاهش داشته است که این موضوع، نشانگر رشد و رونق اقتصادی و به دنبال آن رشد تقاضای کار در جامعه می‌باشد.

طرف عرضه نیروی کار هم شرایط متفاوتی دارد. با توجه به رشد شاخص‌هایی همچون جمعیت و بهداشت و کاهش نرخ مرگ‌ومیر و از همه مهمتر رشد آموزش عالی، عرضه نیروی کار افزایش می‌یابد که بالطبع، جامعه ما هم از این قاعده مستثنا

لطف نیست. کشور ترکیه که پتانسیل‌های به مراتب کمتری در مقایسه با کشور ما دارد، در سال گذشته درآمدی معادل ۱۹/۵ میلیارد دلار از این صنعت کسب کرده، اما درآمد ما فقط یک میلیارد دلار بوده است. عدم توجه به یک صنعت، یعنی عدم توجه به نیروی کار. شما به بخش مسکن توجه بفرمایید، فقط ۱۳ درصد از اشتغال کل کشور در این صنعت قرار دارد که در حال حاضر، سرمایه‌گذاری در آن به صورت کامل متوقف گردیده است که این امر سبب شده تا عرضه در آن متوقف شود، اما تقاضا همچنان در حال رشد است. کاهش قیمت مسکن به دلایل کمبود نقدینگی در بازار است و مطمئناً اگر به آن توجه نکنیم، مشکلات بسیاری در این بخش پدید می‌آید که دامن نیروی کار را خواهد گرفت.

تقدیر ایران: با توجه به نقش پررنگ نیروی متخصص و نخبگان در هر کشور، راهکار پیشنهادی شما برای مبارزه با پدیده خروج نیروهای متخصص از کشور چیست؟

به نظر من یک ایرانی در هر جای دنیا که باشد به وطن خود عشق می‌ورزد، پس مشکل از سوی نیروی متخصص و نخبه نیست. باید شرایط را به گونه‌ای تغییر دهیم تا علاوه بر نیازهای طبیعی و مادی، فکری هم برای نیازهای غیر مادی آنها بکنیم. در حال حاضر عده کثیری فقط نیازهای این افراد را در نیازهای مادی می‌بینند. شما به سلسله مراتب نیازهای مازلو بنگرید و ببینید در آن یک سری از نیازهای اجتماعی و غیر مادی را در کنار نیازهای مادی قرار داده است. فرض بفرمایید فردی می‌خواهد ۲ میلیارد سرمایه‌گذاری انجام دهد. آیا اگر این فرد مبلغ خود را در بانک بگذارد مشکلی برای معیشت خود خواهد داشت؟ پس چرا چنین ریسکی را قبول می‌کند؟

قطعاً انگیزه‌هایی فراتر از مادی هم برای او مطرح است. تقاضا دارم تحقیقی بفرمایید و ببینید که این همه اختراعی که در کشور به ثبت رسیده - یعنی از مرحله آزمون و خطا گذشته و به مرحله اجرا و عرضه رسیده است - به کجا رسیده‌اند. این قدر می‌گوییم که با مشکل سوخت و مصرف آن مواجه‌ایم. آیا تابحال شده است که از ابداعات این گروه استفاده کرده باشیم؟ یقیناً اگر جواب مثبت بود، این مشکلات را نداشتیم که البته این مقوله جای بحث دارد که باید در جای خود به کنکاش گذارده شود. خوشبختانه تمام این راهکارها در سند چشم‌انداز آمده‌اند که با بهره‌گیری از آنها می‌توان چشم‌انداز مناسبی را برای آینده کشور ترسیم نمود.

تقدیر ایران: متشکریم.

رشد بیکاری افراد تحصیلکرده در کشورهای جهان

